

بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا

(یک مقاله مروری)

سلیمه خلیلی^۱

لیلا افشار

محمود عباسی

چکیده

تعلیم و تربیت امری پیچیده، پردامنه و وقت‌گیر است. برای اقدام به این کار خطیر اولین گام، تعیین اهدافی است که قصد داریم به آن‌ها برسیم و رسیدن به این اهداف مستلزم استفاده از روش‌ها است. آگاهی از روش‌ها و اهداف تعلیم و تربیت به خصوص تربیت اخلاقی مستلزم شناخت آراء مریبان و فیلسوفان بزرگ، به ویژه اسلامی است. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا می‌باشد. روش مورد استفاده در این تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوا است. منابع تحقیق شامل کتاب‌ها، پایان نامه‌ها، مجلات، مقالات و پژوهش‌ها و تحقیقات مرتبط با موضوع می‌باشد. ابن سینا مهمترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌داند. کسب اعتدال و میانه‌روی و کسب فضائل اخلاقی نیز از مهمترین اهداف تربیت اخلاقی این فیلسوف بزرگ است. در این پژوهش تلاش شده است تا با تحقیق در اندیشه‌های این اندیشمند گرانمایه، به اهمیت اخلاق و تربیت اخلاقی از نظر وی پرداخته و روش‌های تربیت اخلاقی، مراحل تعلیم و تربیت، متون و مواد آموزشی، ویژگی‌های یک معلم خوب و شیوه‌های تعلیم و تربیت و... از منظر ایشان بیان شود و در آخر نیز به یک جمع بندی اجمالی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

تعلیم و تربیت، اخلاق، ابن سینا

۱- دانشجوی دکترای آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: b_khalili85@yahoo.com

مقدمه

به نظر می‌رسد که تعیین یک فلسفه آموزشی در حوزه تعلیم و تربیت که در راستای آن باید از عقاید همه مربیان تربیتی بهره‌مند شد بسیار پر اهمیت است که برای حل مشکلات حاکم بر جامعه و نظام تربیتی ناگزیر به استفاده از آنها هستیم. تعلیم و تربیت امری پیچیده، پرحاشیه و وقت‌گیر است. برای اقدام به این کار خطیر اولین گام تعیین اهدافی است که قصد داریم به آنها برسیم و رسیدن به این اهداف مستلزم استفاده از روش‌هاست. آگاهی از روش‌ها و اهداف تعلیم و تربیت به ویژه تربیت اخلاقی مستلزم شناخت آراء مربیان و فیلسوفان بزرگ است. در این میان ابوعلی حسین ابن عبدالله بن سینا معروف به شیخ‌الرئیس بزرگ‌ترین فیلسوف مشایی و پزشک نامدار ایران و جهان اسلام است. دامنه فعالیت او بسی گسترده و تأثیرش از همه فیلسوفان مسلمان بیشتر است (نقیب زاده، ۱۳۸۳ش.).

آراء ابن سینا درباره تعلیم و تربیت در حوزه اندیشه اسلامی جایگاه بس والایی دارد تا جایی که برخی ادعا کرده‌اند که او اولین دانشمند مسلمان است که درباره تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است. همچنین وی نسبت به تعلیم و تربیت نگرشی جامع داشته و درباره تعلیم و تربیت و اصول آن کتابی مخصوص به نام تدابیرالمنازل تألیف نموده است. این فیلسوف مسلمان تعلیم و تربیت را صرفاً از بعد فردی بررسی نکرده بلکه از بعد اجتماعی نیز به آن نگرسته است (اعرافی و دیگران، ۱۳۷۷ش.).

ابن سینا خواهان ضرورت درک و شناخت متعلم و به کارگیری این شناخت برای یاری او در پیشرفت و شکوفایی وی سازگار با نیروهای سرشتی او شده است و می‌گوید باید بسیار مراقب اخلاق کودک بود تا معتدل بار آید. همچنین او مایل

است که تربیت ابزاری باشد برای آسانی وارد شدن فرد در فرایند تولید و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی جامعه (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۴ ش.).

هر جامعه‌ای برای ادامه حیات خود و تبیین اینکه در زندگی چه چیزی معنادار است و مردم باید تحت سیطره چه هنجارهای اخلاقی باشند، برنامه‌ای اصولی و پاسخی منطقی نیاز دارد (عطاران، ۱۳۸۲ ش.).

تجربه نشان داده که اقتباس مسایل فرهنگی و اجتماعی از غرب، نمی‌تواند مسایل آموزشی و اخلاقی را در کشورهای غیر غربی حل نماید. بنابراین نسل جدید فیلسوفان اسلامی باید از نظامی پیروی کنند که ارزش‌های سنتی را مطابق با نیازهای جوامع اسلامی مدرن، به روز کند (زیبا کلام، ۱۳۸۰ ش.).

لذا مقدمه‌ای که پیش روی شماست، سعی دارد تا با تحقیق در اندیشه و فلسفه ابن سینا، به تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه وی بپردازد تا چراغی فراروی سیستم آموزشی موجود باشد.

تعلیم و تربیت از نظر ابن سینا

عبارت است از برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی (کاردان، ۱۳۸۱ ش.).

ابن سینا مهمترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌داند. از نظر وی مهمترین نوع آموزش و پرورش، آموزش عقلی است که در حقیقت پرورش ذهن انسان است. او تعلیم و تربیت را رشد عقل و راهی برای رسیدن به خدا می‌دانست (زیبا کلام مفرد، ۱۳۸۰ ش.).

تعریف اخلاق

ابن سینا معتقد است که اخلاق خیر و فضیلتی است که در همه امور باید مد نظر باشد و تربیت اخلاقی فرد در جامعه را تضمین کننده کمال و سعادت او در دنیا و آخرت می‌داند.

تربیت اخلاقی

ابن سینا به تربیت اخلاقی بیشتر توجه دارد و تربیت دینی را برای موفقیت و تربیت اخلاقی لازم می‌داند و منظورش از تربیت اخلاقی، بار آوردن مردان و زنانی است که عقیف و دارای اراده قوی باشند، فضیلت را دوست بدانند و در کارها و اعمالشان، رضایت خدا را در نظر بگیرند. وی معتقد است که باید عادات خوب را هر چه زودتر، پیش از آنکه عادات‌های زشت پیدا شوند، در کودک ایجاد کنیم و در اینگونه موارد اگر لازم شد کودک را تنبیه یا مجازات هم باید کرد (شریعتمداری، ۱۳۷۹ش).

اهمیت تربیت و اخلاق و تربیت اخلاقی از منظر ابن سینا چیست؟

شاخص ممیز تئوری بوعلی سینا در تعلیم و تربیت ورود مستقل و مستقیم وی در مباحث تعلیم و تربیت است بدون این که تعلیم و تربیت را به صورت هضم شده در اخلاق و سیاست بنگرد. با تدوین رساله تدابیرالمنازل، علاوه بر آنچه در کتاب‌های شفا، قانون و اشارات در این باره بیان کرده است، وارد جزئیات مسایل تربیتی شده و به بحث درباره مراحل رشد کودک و اصول و روش‌های تربیتی پرداخته است (کاردان و دیگران، ۱۳۸۱ش).

ابن سینا نیز بر امتیاز انسان بر سایر موجودات از جهت‌های مختلف که یکی از آنها قابلیت پذیرش تعلیم و تربیت است تأکید نموده است. راجرز بیکن، ابن

سینا را بزرگترین استاد فلسفه بعد از ارسطو لقب می‌دهد و توماس اکویناس با احترامی همچون افلاطون از وی سخن می‌گوید (عطاران، ۱۳۷۱ ش.).
ابن سینا انواع مختلف تعلیم و تربیت را توصیه می‌کند اما مهمترین آنها را تربیت عقلی می‌داند که عبارت است از پرورش ذهن (زیبا کلام مفرد، ۱۳۸۴ ش.).

اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا

ابن سینا کتاب تدابیرالمنازل خود را با بیان امتیاز انسان نسبت به دیگر موجودات و بهره مندی انسان از قوه تمیز و خرد، آغاز می‌کند: «خدا به انسان قوه تمیز داده و به سبب آن فرق بین خیر و شر و تفاوت بین رشد و گمراهی را برای او معلوم و روشن نموده است و نیز به سبب همین قوه فضل، صانع را بر مصنوع و مالک را بر مملوک و زمامدار سیاست را بر کسانی که در تخت سیاست و تدبیر وی واقع‌اند، فهمانده است. انسان به وسیله این قوه، مجهز و متمکن شده است به این که آن چه را که بین خالق و مخلوق می‌باشد بشناسد و آفریدگار و صالح قدیم را برای عالم اثبات کند.» (نجمی زنجانی، ۱۳۹۰ ش.).

۱- اصلاح نفس:

وی اولین هدف تربیت اخلاقی را اصلاح نفس می‌داند و بر اهمیت آن تأکید دارد: «نخستین سیاستی که سزاوار است انسان را به آن آغاز کند سیاست نفس خود اوست. یعنی اول باید در اصلاح نفس خود بکوشد، سیاست و تدبیرش را در آن کار و کوشش به کار برده، خویشتن را صالح و نیکو بنماید چه نفس آدمی نزدیک‌ترین و محترم‌ترین چیزها نسبت به او و در میان آنها به عنایت و توجه سزاوارتر و شایسته‌تر است.» (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹ ش.).

۲- رسیدن به کمال و سعادت

به نظر ابن سینا اساساً هدف فلسفه استکمال نفس است. البته استکمال هر دو قوه نفس و هدف استکمال نفس رسیدن به سعادت.

نفس به نظر حکما و از جمله ابن سینا دارای دو قوه است. یکی قوه عالمه یا قوه نظری و دیگری قوه عامله یا قوه عملی. یعنی دانستن و به کار بستن هر دو به اشتراک اسم عقل نامیده می‌شوند: عقل نظری و عقل عملی، و هر یک از این‌ها دارای کمال مخصوص است. البته تصور نشود که نفس تجربه پذیر است. هرگز چنین نیست و کثرت را در ساخت بالای نفس راه نیست. نفس جوهری است واحد «ان النفس ذات وحده و لها قوی کثیره» (خوانساری، ۱۳۵۹ ش.).

کمال نفس ناطقه به این است که عالمی معقول شود و مراتب وجود، چه مراتب نزولی و چه مراتب صعودی، همه را به خوبی همچنان که هست بشناسد و هیئت کل وجود و نسبت اجزاء آن به یکدیگر، در نزد او تقرر یابد. به طوری که کل هستی چنانکه هست در آینه ضمیر انسان منعکس شود (ذهن آینه تمام نمای عالم خارج می‌شود و به تعبیر عرفا جام جهان‌نما) و این امر از راه کسب مجهولات به وسیله معلومات برای انسان میسر است و از این رهگذر عقل هیولایی به مرحله عقل بالفعل و عقل مستفاد می‌رسد (یثربی، ۱۳۷۰ ش.).

به عقیده شیخ‌الرئیس، سعادت حقیقی عبارت از امری است که ذاتاً مطلوب است و به دلیل خودش گزینش می‌شود و مسلم است آنچه مطلوب بالذات است و امور دیگر هم به سبب آن مطلوب واقع می‌شود، برتر از امری است که به دلیل چیزهای دیگر طلب می‌شود. سعادت بالاترین چیزی است که انسان به دنبال کسب آن است و هدایت به راه سعادت نیز بالاترین هدایت‌ها، چرا که شرافت هدایت‌ها به غایباتی است که به آن رهنمون می‌گردند، سعادت بزرگ در نزدیکی

به حق اول است که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیز است و حکمای الهی میل و رغبتشان برای نیل به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم است. وی راه کسب سعادت را «نیل به کمال در دو قوه علمی و عملی می‌داند» و توصیه می‌کند که همه برای تحصیل سعادت حقیقی بکوشند. وی می‌گوید: ای برادر شفیق، این سیره نیکو را به کار گیر و از ضد آن بپرهیز، سعادت حقیقی را به دست آور و از شقاوت حقیقی برحذر باش. پس شایسته است که از الم ابدی بترسی و به سعادت و مصلحت جاودانی راغب باشی (اعرافی و دیگران، ۱۳۷۷ش).

روش‌های تربیت اخلاقی از منظر ابن سینا

- ۱- زیبا گویی و عفت کلام
- ۲- روش اعتدال (پرهیز از افراط و تفریط)
- ۳- روش دوست یابی خردمندانه
- ۴- شناخت کامل نفس و خصوصیات آن
- ۵- روش محبت
- ۶- روش الگوبرداری از الگوهای خوب
- ۷- آموزش روش‌های پیشگیرانه مانند دقت در انتخاب‌های مهم زندگی
- ۸- تشویق، ترغیب و تنبیه
- ۹- نصیحت
- ۱۰- رقابت در کارهای نیک
- ۱۱- روش تدبیر در امور مختلف (که ابن سینا بیشتر به تدبیر منزل اشاره داشته است)
- ۱۲- آموزش انفاق برای حل مشکلات مالی و اقتصادی افراد جامعه

- ۱۳- آموزش حرفه و صنعت برای کسب درآمد از راه حلال
- ۱۴- آموزش روش ازدواج صحیح و مناسب برای داشتن زندگی سالم
- ۱۵- روش عرفانی و عارفانه : یکی از روش های تربیتی خاص است که ابن سینا آن را در آثار عرفانی خود بیان کرده است (نجمی زنجانی، ۱۳۱۹ش).

مراحل و فرایند تعلیم و تربیت

در نظر ابن سینا تعلیم و تربیت از لحظه تولد آغاز می شود و حتی قبل از آن از لحظه ای که انسان همسری انتخاب می کند که منشاء اخلاقی و فکری او بر کودکی که قرار است به دنیا بیاید عمیقاً تأثیر خواهد گذاشت. او همچنین بر نقش همسر و مادر در بارآوردن کودکان و سهمی که در تعلیم و تربیت اولیه آنها دارد، تأکید می کند.

۱- مرحله تعلیم و تربیت در خانه

باید به کودک از زمان شیر دادن نظم و انضباط را آموخت، و در واقع نخستین گامها برای آموختن آداب نزاکت و اخلاق، و نیز ساختن شخصیت او (تأدیب)، در این مرحله، که نخستین مرحله از زندگی انسان است، برداشته می شود. از سوی دیگر، آموختن علوم باید از زمانی آغاز شود که بدن کودک رفته رفته شکل کامل خود را پیدا می کند: یعنی هنگامی که بند بند بدنش محکم می شود و گوشها و زبان به طور صحیح عمل می کنند. علاوه بر این، ابن سینا تأکید می کند که هر یک از بچهها را باید مورد توجه ویژه قرار داد و به فراخور طبع خاصش بار آورد. به هیچ وجه نباید نوعی برابری کمی را بر همه تحمیل کرد؛ زیرا این کار تفاوت های کیفی ای را که در جوهریه ذات انسان ریشه دار است و باید با منتهای دقت و توجه پرورده و حفظ شود، از میان می برد. او در واقع، تا

بدان جا پیش می‌رود که موکداً می‌گوید ملاحظه صرف انسان‌ها بر مبنای برابری کمی به تباهی و نابودی آن‌ها منجر می‌شود.

در قانون، ابن سینا صراحتاً رژیم غذایی از زمان طفولیت تا نوجوانی را ذکر می‌کند و از این کار، هم هدفی تعلیمی- تربیتی و هم هدفی طبی را دنبال می‌کند. «اصل مهم در این جا القا کردن ضبط و مهار هیجانات است. باید مراقب بود که این هیجانات به خشم یا ترس مجال بروز ندهند، یا به واسطه دل مردگی و افسردگی خاموش نشوند، یا دستخوش بی‌قراری نگردند. بنابراین، باید به هیجاناتی مجال بروز داد که مطبوع و دلپذیرند، و می‌بایست از امور نفرت‌انگیز و انزجار برانگیز اجتناب کرد». در نتیجه، ذهن از همان آغاز به هیجانات مثبت خو کرده و عادات نیک را پرورش می‌دهد، در حالی که بدن نیز از این عادات ذهنی سودمند، بهره‌مند می‌شود. او برای پرورش صحیح خردسالان چهار توصیه دارد: ۱- اعتدال در رفتار ۲- برنامه صحیح غذایی و خواب و استحمام معتدل ۳- در سن شش سالگی به مدرسه رود و در تعلیم اجبار نباشد ۴- نوشیدنی‌های سالم بنوشد.

سلیمه خلیلی، لیلا افشار، محمود عباسی

۲- تعلیم و تربیت در مکتب

در این اثنا، کودک به سنی می‌رسد که گذشته از والدین و خواننده که تاکنون تنها آموزگاران او بوده‌اند، باید برای او به سراغ معلم شایسته‌ای از بیرون رفت. «در شش سالگی کودک می‌تواند توسط یک معلم برخوردار از طبعی آرام و رئوف، که کودک را قدم به قدم و به صورت منظم با گشاده رویی و بدون فشار و اجبار آموزش خواهد داد، تعلیم ببیند. نباید او را مجبور کرد که لاینقطع و به طور پیوسته در مکتب‌خانه بماند. فراغت و استراحت ذهن به رشد بدن کمک می‌کند.

در این سن استحمام و استراحت نباید چندان مکرر و پی در پی باشد و فعالیت‌های قبل از غذا باید بیش‌تر شود». ابن سینا توصیه می‌کند که این برنامه را باید تا سیزده سالگی ادامه داد و تأکید دارد که فعالیت‌های سبک مورد تشویق قرار گیرد، هرچند باید از فعالیت‌های مشقت‌زا و سخت در حد فاصل بین کودکی و نوجوانی پرهیز کرد. در این فاصله، نباید صرف و نحو را به کودک آموخت و به دنبال آن، از سن چهارده سالگی به بعد ریاضیات و سپس فلسفه را به وی آموزش داد. ابن سینا به روشنی مرحله اول تعلیم و تربیت را که در خانه صورت می‌گیرد از مرحله دوم که در مکتب زیر نظر یک معلم صورت می‌گیرد تفکیک می‌کند. در این مرحله، مکتب و خانه در کمک به حصول اهداف تعلیم و تربیت اولیه کودک، که عبارت است از تقویت ایمان، ساختن یک شخصیت مطلوب، تندرستی، آموختن سواد و مقدمات تفکر صحیح و فراگرفتن یک حرفه، شروع به تکمیل یکدیگر می‌کنند. معلم باید علاوه بر داشتن معلومات بسیار مؤمن باشد، اصول اخلاقی قاطع و شخصی داشته باشد و از طبعی آرام و متین برخوردار باشد، او باید واجد حکمت (خرد) باشد، و بتواند شخصیت شاگردان خودش را عمیقاً بشناسد و حتی در مورد استعداد آن‌ها برای دنبال کردن زمینه‌های علمی مختلف داوری کند تا بتواند به آن‌ها توصیه کند که کدام موضوعات و مباحث را در مراحل بعدی زندگی دنبال کنند.

۳- مرحله حرفه آموزی

زمانی که کودک در مدرسه آموزش‌های ابتدایی دید و به سن بلوغ رسید اکنون می‌تواند صنعت و حرفه‌ای بیاموزد و پس از آن زندگی مستقل خود را آغاز کند و شایسته است که نوجوان مطابق ذوق و طبع خود هنر و حرفه‌ای را بیاموزد

و عامل محیط و وراثت رعایت شود. (رعایت تفاوت‌های فردی در انتخاب شغل و حرفه موجب توجه ابن سینا بوده است). افراد کند ذهن و استثنائی نباید در جامعه رها شوند و بیکار بمانند بلکه باید تحت تعلیم قرار بگیرند.

ضرورت، روش و برنامه تعلیم و تربیت مکتبی

وجود تعلیم و تربیت مکتبی ضروری است؛ زیرا نه تنها انتقال علم را میسر می‌کند، بلکه علاوه بر آن فضا و محیطی اجتماعی فراهم می‌کند که در آن متعلمین می‌توانند از یکدیگر چیز یاد بگیرند و با یکدیگر زندگی کنند. ابن سینا بر اهمیت رقابت سالم، و نیز تشویق متعلمین به دستیابی به اهداف آموزشی، پیش از سایرین تأکید دارد. علاوه بر این، حضور متعلمین دیگر بحث و گفتگو را میسر می‌کند، که خود باعث ارتقاء و بالا رفتن سطح فهم انسان می‌شود، و نیز زمینه دوستی را فراهم می‌کند، که آن هم به پیراسته شدن شخصیت انسان و تقویت برخی فضائل کمک می‌کند.

برنامه هشت ساله مکتب با آموختن قرآن، احکام و زبان [یا صرف و نحو] آغاز می‌شود. طبیعتاً به دنبال این برنامه آموزشی اخلاق خواهد بود و پس از آن، با در نظر گرفتن استعدادها و علائق متعلمین و نیز با نظر به آن چه برای امرار معاش لازم است، نوعی فن یا حرفه آموخته خواهد شد. ورزش نیز باید آموزش داده شود و متعلمین باید ساعاتی از روز را صرف شرکت در نوعی ورزش کنند. در این مرحله بهتر است متعلمین سراغ نوعی وسیله امرار معاش بروند و در عین حال، آن عده که مایه ذهنی و توانایی عقلی در خوری دارند بهتر است تحصیلات خود را در زمینه‌های نظیر طب یا دیگر شاخه‌های علوم ادامه دهند.

اما در مورد روش آموزشی، ابن سینا بر اعتدال و میانه روی در رفتار با متعلمین تأکید دارد. بهتر است معلم نه خیلی سخت‌گیر باشد و نه خیلی تسامح به خرج دهد. شیوه تعلیمی معلم، خواه از طریق آموزش ذهنی باشد، یا از طریق نشان دادن الگو و سرمشق، یا از راه تکرار، یا تحلیل منطقی بهتر است به گونه‌ای باشد که با طبع متعلم سازگاری داشته باشد. هم چنین، در انتخاب زمینه فنی خاصی که متعلم باید در آن تخصص پیدا کند، باید استعدادها و علائق او را به طور کامل لحاظ کرد.

کمال عقلانی و نفسانی در فرایند تعلیم و تربیت

هیچ بحثی راجع به دیدگاه‌های ابن سینا درباره تعلیم و تربیت بدون ذکر نظریه او در باب عقل، قوای نفس و سلسله مراتبی که مراتب مختلف قوای عقلی انسان را رقم می‌زند و فرایندی که از طریق آن انسان می‌تواند به عالی‌ترین مرتبه کمال عقلی نائل شود، کامل نخواهد بود. تعلیم و تربیت در عالی‌ترین مرتبه خود در واقع، چیزی نیست جز فرایند به فعلیت و کمال رساندن دو قوه عقل نظری و عقل عملی. ابن سینا، در چند اثر خود به این موضوع می‌پردازد، خصوصاً در «الفن السادس» از طبیعیات شفا، آن جا که نفس، قوا و ملکات آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخشی تام و تمام از این نظریه در باب عقل دارد، و در واقع قبلاً آثاری چند به همین موضوع اختصاص یافته است، اما با وجود این، بیان اجمالی آن در این جا، به خاطر اهمیت حیاتی آن در قضیه تعلیم و تربیت، ضروری است. مطابق با این نظریه، انسان از یک عقل نظری و یک عقل عملی «برخوردار است» که باید قوای‌شان را بر حسب مورد تقویت کرده، تعادل بخشد و به کمال برساند. پرورش ذهن اساساً مربوط به عقل نظری است، در حالی که در پرورش شخصیت، هم

عقل نظری دخیل است و هم عقل عملی. در حالی که عقل عملی شامل تمام قوای نباتیه و حیوانیه، از جمله وهم و خیال است، عقل نظری مراتب عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و در نهایت عقل قدسی یا عقل مستفاد را در بر می‌گیرد. فرایند فراگیری علم مستلزم به فعلیت رساندن بالقوگی‌های عقل از طریق افاضه نور از عقل فعال است. این عقل، که از سایر عقول متمایز است و با جواهر ملکوتیه یکی دانسته شده، همان معلم حقیقی جوینده معرفت است و اشراق عقل انسان توسط سلسله مراتب عقول در بطن کل روند کسب معرفت نهفته و مستور است، معرفتی که مرتبه اعلائی آن، که همان معرفت شهودی (المعرفه الحدسیه) است، بی هیچ واسطه‌ای از عقل فعال فرو می‌رسد.

حکایات عرفانی ابن سینا را، که در آن «حکمت مشرقیه» او به صورتی رمزی و نمادین بسط یافته، نیز می‌توان به عنوان منبعی برای فلسفه تعلیم و تربیت او در عالی‌ترین سطح آن مطالعه کرد. در این رساله‌ها نظریه ابن سینا در باب عقل در قالب فرشته‌ها و راهبران ملکوتی‌ای که انسان را به عالی‌ترین مراتب علم الهی رهنمون می‌شوند به صورتی عینی و ملموس تصویر شده است. راهبر آسمانی داستان حی بن یقظان معلم به تمام معناست و فرشته شناسی ابن سینا کلیدی است برای فهم فلسفه تعلیم و تربیت شیخ. ابن سینا، در آمیزه فلسفی عظیم خود فرایند تعلیم و تربیت را، با نقش والدین به عنوان نخستین آموزگاران کودک آغاز می‌کند و با فرشته به پایان می‌برد، همان فرشته‌ای که با اشراق نفس انسان، به آن امکان می‌دهد خداوند را تجربه کند و هدف نهایی کل سیر تعلیم و تربیت و در واقع، خود زندگانی انسان را تحقق بخشند (ملکشاهی، ۱۳۶۷ ش.).

آرای ابن سینا در مسائل عمده تعلیم و تربیت

ابن سینا، مباحث تربیتی را در بخش حکمت عملی جای می‌دهد و آن را سه نوع می‌داند:

- ۱- علم اخلاق: تنظیم روابط شخصی فرد را بر عهده دارد.
- ۲- تدبیر منزل: تنظیم روابط فرد در محیط خانواده است.
- ۳- علم سیاست: تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد (فروغی، ۱۳۸۲ش).

اهداف تعلیم و تربیت از نظر ابن سینا

ابن سینا تعلیم و تربیت را دارای دو بعد فردی و اجتماعی می‌داند پس اهداف آن نیز به دو دسته اهداف فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود، به طور کلی اهداف تعلیم و تربیت از نظر ابن سینا شامل ایمان، اخلاق نیکو و عادات پسندیده، تندرستی، سواد، پیشه و هنر می‌باشد.

الف) اهداف فردی:

- ۱- وصول انسان به سعادت در دنیا و پس از مرگ
- ۲- خودشناسی و تربیت و اصلاح نفس
- ۳- شکوفایی عقل و ادراکات
- ۴- ارضای نیازهای روحی فرد
- ۵- اشتغال و درآمد از راه حلال
- ۶- آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده پس از اشتغال
- ۷- احساس کرامت و عزت نفس (تدبیر منزل)
- ۸- مهم‌ترین هدف فردی تربیت ایجاد عادت به تفکر در انسان‌ها است.

(ب) اهداف اجتماعی:

۱- سعادت جامعه

۲- پایداری و تقویت بنیان خانواده

۳- معاشرت صحیح و عقلانی در جامعه (تدبیر منزل) (زیبا کلام مفرد،

۱۳۸۴ش).

متون و مواد آموزشی

پس از اینکه کودک سخن گفتن را آموخت و آماده یادگیری شد. ابتدا قرآن و اصول دین و قواعد زبان را به او آموخته و از ادب و شعور و مضامین اخلاقی به او تعلیم داده شود. ابن سینا می‌گفت: «وقتی مفاصل بچه قوی شدند و زبانش مستعد شد و آماده آموزش گشت و شنوایی‌اش دقیق گردید، باید با آموزش قرآن شروع کرد و حروف الفبا را به او آموزش داد.»

سپس حرفه و هنری بیاموزد باید دید که چه شغلی برای آینده‌اش مناسب است. لذا نوجوان را باید در آن مسیر هدایت کرد. اگر معلم یا ولی او تحصیل ادبیات را برای او مناسب دید، باید پس از زبان به مطالعه رساله‌های منظوم، سخنرانی، بحث و مرآوده و موضوع‌های مشابه بپردازد. علم حساب را بیاموزد و یک دوره عملی مدیریت امور انسانی را آغاز نماید. خوش نویسی باید مورد دقت قرار گیرد. اگر قصد انتخاب رشته دیگری را داشته باشد، باید او را در همان رشته راهنمایی کرد. او بر آموزش موسیقی و ورزش جوانان تأکید دارد و آنها را موجب سلامت بدن و بی‌نیازی از استعمال دارو داشته است. ورزش‌هایی مانند کشتی، مشت زنی، توپ بازی، دو و میدانی، سوارکاری، شمشیر بازی، قایق رانی و وزنه برداری را یاد کرده است.

در دیدگاه او اخلاقیات جایگاه ویژه‌ای داشت. بر این اساس عادت دادن به اعمال نیک در دوره کودکی و نوجوانی، بسیار مهم بود. او در اخلاقیات و فضایل بر اعتدال تأکید کرده و لازمه حصول سعادت را فضایل اخلاقی دانسته است (ملک شاهی، ۱۳۶۷ش).

ویژگی‌های یک معلم خوب در تفکر ابن سینا

معلم و معلمی همواره در ادیان آسمانی و در اندیشه بزرگان و متفکرین جهان مورد تکریم و احترام بوده است. بوعلی سینا نیز در امر آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت کودک از پدر می‌خواهد که در انتخاب آموزگار بسیار دقت کند و بداند فرزندش را به دست چه کسی می‌سپارد. بوعلی سینا پس از بیان ضرورت آموزش و تعلیم به موقع کودک در ارتباط با ویژگی‌های معلم می‌گوید: اولاً باید در انتخاب آموزگار و مربی کودک دقیق شد که خردمند و دیندار باشد و راه تهذیب اخلاق و پرورش و تربیت بچه را بشناسد و با وقار و سنگین و با مروت و پاکدامن و نظیف باشد و راه معاشرت را بداند (نجمی زنجانی، ۱۳۹۰ش).

بوعلی سینا در بیان فوق به هشت ویژگی مهم معلم اشاره می‌کند و می‌گوید: کسی که عهده‌دار تربیت کودکان می‌شود باید حداقل این خصوصیات را دارا باشد: ۱- خردمند باشد: یعنی مهمترین خصیصه معلمی را که دانایی است دارا باشد و بر آنچه که آموزش می‌دهد تسلط علمی داشته باشد و بتواند پاسخگوی سؤالات دانش آموزان باشد.

۲- دیندار باشد: از دیدگاه تربیت دینی علی‌رغم اینکه بر دانایی معلم تأکید می‌گردد، با این وجود آن را شرط کافی برای نشستن بر کرسی معلمی نمی‌داند بلکه آنچه که معلم را الگو و سرمشق رفتاری دانش آموزان قرار می‌دهد، ادب،

اخلاق و تقوای اوست. بنابراین منظور از دینداری و دارا بودن این خصوصیات عالی، رفتاری است که لازم است شخصیت و منش معلم به آنها آراسته گردد.

۳- آشنا با تربیت کودک باشد: بدون شناخت ویژگی‌های رشد و نیازها و خواسته‌های کودک در مراحل مختلف سنی و بدون آشنایی با چگونگی شکل‌گیری مفاهیم در ذهن کودک و دیگر ابعاد شخصیتی او امکان تعلیم و تربیت وجود نخواهد داشت. معلم باید کودک را بشناسد و راه‌های تأمین نیازهای عاطفی، اجتماعی و عقلی او را بفهمد.

از دیدگاه بوعلی سینا معلم باید به تفاوت‌های فردی کودکان توجه نماید، وی می‌گوید:

«هر آنچه کودک می‌طلبد و به آن گرایش دارد برای وی ممکن نیست، بلکه باید به او مطلبی را یاد داد که با ذوق و فهمش سازگار باشد. اگر فراگیری همه علوم و فنون برای همه کس مقدور بود و به آسانی به دست می‌آمد، هیچکس را نمی‌یافتید که از فرهنگ بی بهره و با فنون مختلف آشنا نگردد؛ اما چنین نیست و هرکس به دانش یا فنی علاقه دارد و چه بسا افرادی که از علم و فرهنگ لذت نمی‌برند. از این رو بر مسؤولین تعلیم و تربیت کودکان فرض است که نخست استعدادها و توانایی‌های آنان را سنجیده و آنگاه دانش‌های سودمند و مناسب را به آنان فرا دهند» (باقرالقریشی، ۱۳۶۴ ش.).

۴- باوقار و سنگین باشد: شغل معلمی به مانند دیگر شغل‌ها نیست، او با کرامت انسان سروکار دارد. اگر با وقار و با هیبت نباشد در چشم دانش‌آموزان کوچک جلوه می‌کند، در این صورت احترام و اعتماد از او سلب می‌شود. وقار و سنگینی و برخورد‌های همراه با ادب و بیان سخنان حکیمانه، معلم را در نزد دانش‌آموزان

بزرگ و قابل اعتماد می‌سازد و به عنوان الگو و تکیه گاه دانش آموزان محسوب می‌گردد.

۵- با مروت باشد: این ویژگی نیز از این جهت مهم است که معلم با خردسالان و کودکان سروکار دارد، کسی که سخت دل و سنگدل است، نمی‌تواند با روحیه لطیف و ظریف کودک ارتباط برقرار کند. دل معلم باید نرم و به اصطلاح رحم دل باشد و از آنجایی که کودکان به علت کمی تجربه و کوچکی ظرفیت روانی خطاهای بسیاری را مرتکب می‌شوند، معلم باید دارای روحیه گذشت و اغماض باشد و مروت و مردانگی را در مواقع لزوم و برای تأدیب کودک در نظر داشته باشد.

۶- پاکدامن باشد: این اصل از آنجا ناشی می‌شود که کودکان به معلم خود بسیار اعتماد دارند و هرگز در عفت و پاکدامنی او شک نمی‌کنند، لذا معلم باید از این اعتماد دانش آموزان در جهت تأدیب آنها بهره جوید و حتی در اندیشه خود آنچه را که خلاف عفت و پارسایی است، نگذارند. فراموش نکنیم کوچکترین خلاف معلم در این راستا ضربه‌ای بر پیکره کودک می‌زند که قابل جبران نخواهد بود.

۷- نظیف باشد: این اصل از این یافته روانشناسی ناشی می‌شود که کودکان قبل از آنکه به قول پیازه به مرحله تفکر منطقی و تفکر انتزاعی برسند در مرحله حسی- حرکتی قرار دارند؛ یعنی ابزار شناختشان از جهان حواس آنهاست. کودکان دبستانی افراد را از وضع ظاهرشان ارزیابی می‌کنند، در واقع معلمی که سر و صورت و لباسش مرتب، تمیز و شیک است در نظر کودکان فردی بزرگ و قابل احترام است و فردی که تمیز و نظیف نباشد، از او دوری می‌کنند و حرف‌هایش را جدی نمی‌گیرند و اگر کودکان او را الگوی خود قرار دهند،

کودکانی بار خواهند آمد که نسبت به نظافت و بهداشت فردی بی مسئولیت خواهند بود.

شهید ثانی در کتاب «منیه المرید» می‌نویسد:

«باید معلم با آمادگی کامل و زمینه‌هایی که نمایانگر وقار و هیبت اوست و با لباس و بدنی نظیف و پاکیزه وارد جلسه شود و جامه خویش را از پارچه سفید تهیه کند زیرا جامه سفید بهترین و نیکوترین و زیباترین تن پوش انسان است» و در ادامه ضمن اینکه لباس را مایه حفظ وقار و متانت می‌داند، می‌گوید: «معلم باید به هنگام ورود به جلسه درس خود را خوشبو ساخته و موی صورت خود را شانه زده و خویشتن را از هرگونه آثار زننده و اشمئزازآور بپیراید.» (حجتی، ۱۳۶۷ش).

۸- راه معاشرت را بداند: این ویژگی از اصل تفاوت‌های فردی ناشی می‌گردد. روانشناسی امروز در شناخت توانمندی‌های روحی و روانی آدمی معتقد است که افراد دارای الگوهای متفاوتی در رفتار هستند، زیرا محیط ژنتیکی و محیط اجتماعی کودکان و پایگاه‌های فرهنگی و اقتصادی آنان با یکدیگر متفاوت است. حتی کودکان دوقلوی همسان با هم برابر نیستند. بنابراین معلم باید بداند که با هر کودک چگونه باید برخورد و معاشرت نماید. نسخه یکسان پیچیدن برای همه در سیستم تعلیم و تربیت جواب نمی‌دهد. از طرف دیگر معلم باید بداند که کودک را چه وقت تشویق و چه وقت تنبیه کند و زمان و مکان مناسب برای تعلیم و تربیت را بشناسد.

مجموعه ویژگی‌های فوق نشان می‌دهد که بوعلی سینا برای معلم جایگاه مهمی در سیستم آموزش و پرورش قائل است و معتقد است که معلم، الگوی رفتاری کودکان است و آنان از رفتار او نسخه برداری و در زندگی خود عمل می‌کنند.

بوعلی می‌گوید:

«معلم نه تنها باید با راه‌های پرورش و تربیت آشنا باشد بلکه باید

بینا باشد، بینایی مرحله‌ای عمیق تر از آشنایی است.»

این نشان می‌دهد که بوعلی سینا تا چه حد به تربیت معلم حساس است.

سازمان یونسکو در مقاله‌ای پیرامون دیدگاه‌های تربیتی ابن سینا می‌نویسد: ابن سینا اهمیت انتخاب معلم و مجهز کردن او را به تربیت نظری و اخلاقی درک می‌کند. در واقع نقش معلم در آموزش جوانان چیزی فراتر از ارائه اطلاعات به آنهاست زیرا دانش آموزان عادات، عقاید و ارزش‌های بسیار زیادی را از معلمین خود کسب می‌کنند. بنابراین به نظر ابن سینا لازم است که معلم از میان بهترین اشخاص انتخاب شود. شخصی که قادر به تشخیص ارزش‌های اخلاقی و فضیلت‌های اخلاقی باشد، زیرا دانش آموزان از او به عنوان راهبر والگو پیروی خواهند کرد.

ابن سینا می‌گوید: معلم باید با استعداد و متدین باشد... در آموزش بچه‌ها مهارت داشته، با وقار و آرام باشد و از سادگی بسیار به دور بوده، رفتار سبک نداشته باشد، خیلی جدی و بی‌نشاط نباشد بلکه برعکس معلم باید مهربان و فهیم بوده، با فضیلت، تمیز و شایسته باشد.

ابن سینا اظهار می‌داشت که معلم تنها دانش و حقایق را به شاگردان انتقال نمی‌دهد بلکه آنها را با ارزش‌ها و اعتقادات خود و نیز با آداب و فضیلت‌هایی که به او عطا شده است نیز روبرو می‌کند. اگر معلم به سهم خود دانش را با دقت و با احساس به دانش آموزان انتقال دهد آنها هم رفتار و فضایل معلم را به سادگی و بی‌اراده از راه یادگیری تقلیدی کپی می‌کنند.

ابن سینا پس از بیان ضرورت گرفتن معلم برای کودک پس از سن ۶ سالگی تأکید می‌کند: معلم سرخانه باید با دقت، اشعاری را انتخاب نماید که دارای هدف عالی اخلاقی، ستایش کننده فضایل خوب و سرزنش کننده بدکرداری‌ها باشد زیرا که بچه در طی این سال‌ها قویاً تحت تأثیر آنچه که می‌خواند و می‌شنود قرار می‌گیرد (کاهانی مقدم، ۱۳۸۹ش.).

معلم در نظر پیشوایان دینی ما بسیار قابل احترام است. پیامبر(ص) به معاذ فرمودند:

«اگر خداوند متعال یک فرد را به دست تو هدایت کند از دنیا و

آنچه در آن است مهمتر و پر ارزش‌تر است.»

آنچه را که از بیان بوعلی و دیگر اندیشمندان اسلامی و به خصوص از روایات رسیده از اولیای الهی می‌توان فهمید این است که معلم باید هم به لحاظ دانش و گسترش اندیشه و هم به لحاظ اعتقاد درونی و هم به لحاظ رفتار متناسب با ارزش‌های متعالی انسانی از همه سرآمد باشد تا سخن او در دل کودک رسوخ نماید.

شیوه تعلیم و تربیت

ابن سینا به انواع روش‌های آموزشی توجه داشت و آنها را به کار می‌برد. او در درس از روش‌های املا، بحث و مذاکره، توضیح مطالعه و تحقیق استفاده می‌کرد و تنبیه بدنی را در حکم آخرین راهکار تربیتی، مفید می‌دانست. از صدمات احتمالی تنبیه آگاه بود و آن را فقط در موقعیت‌های ضروری مجاز می‌شمرد.

به طور خلاصه به اصول زیر اذعان داشت:

۱- اعتقاد به اصل پیشگیری و دور کردن از ردیلت‌های اخلاقی

- ۲- آموزش آداب دینی و شرعی و اشعاری که حاوی نکات پندآموز است
- ۳- رعایت تربیت از آسان به دشوار در آموزش مطالب و مفاهیم
- ۴- آموزش گروهی به جای انفرادی
- ۵- همزمانی تربیت اخلاقی و آموزش علمی
- ۶- تدریس متناسب با شرایط و استعداد و علاقه شاگردان (کاهانی مقدم، ۱۳۸۹ش).

او در کتاب شفا از شش روش تعلیم و تربیت نام می‌برد که معلم باید هر یک را به اقتضای زمان به کار برد:

- ۱) تعلیم ذهنی: که در آن آموزگار یک موضوع کلی را برای شاگردان بیان می‌سازد و از آن موضوع کلی امر مجهول را معلوم می‌کند مانند شرح دادن علت شکست حوض در زمستان (یادگیری از طریق درک و فهم، حفظ و یادگیری نوشتاری اهمیت فراوانی دارد).
- ۲) تعلیم صناعی: یعنی آموختن طرز به کارگیری و استفاده از ابزار و آلاتی که برای هر صنعتی ضروری است، مانند مته: رنده و اره درودگری. در این جا آموزش پیشه و شغل اهمیت می‌یابد.
- ۳) تعلیم تلقینی: که برای یادگرفتن از راه تلقین به کار گرفته می‌شود و جهت آن از معلم به سمت دانش آموز است. مانند تمرکز دادن حواس و تکرار اشعار برای حفظ کردن آنها.
- ۴) تعلیم تأدیبی: تأدیب در سخنان ابن سینا بیشتر جنبه سلبی دارد بر این اساس، باید اخلاق مذموم و ناپسند را از کودک دور کرد. مثل آموختن عادات پسندیده و نیک از راه پند و اندرز.

۵) تعلیم تقلیدی: در تقلید دانش آموز از همشاگردی‌ها، معلمان و والدین و... می‌آموزد. شاگرد سخنان آموزگار را بی‌درنگ و بدون دلیل می‌پذیرد. ناگفته نماند که معلم رفتارش باید به نحوی باشد که مورد اعتماد قرار گیرد تا این نوع تعلیم امکان پذیر شود.

۶) تعلیم تنبیهی: آگاه ساختن شاگرد از رموز و علل و آثار و حوادثی که روزانه مشاهده می‌کند. مانند علت سقوط اجسام یا چشمک زدن ستاره‌ها یا نزول باران (کاهانی مقدم، ۱۳۳۴ش).

توجه به علایق و تفاوت‌های فردی دانش آموزان

از دیدگاه ابن سینا، علایق و رغبت‌های دانش آموزان بسیار مهم بود. اما این علایق باید به وسیله معلم هدایت و راهنمایی می‌شد. «مربی کودک باید بداند این‌گونه نیست که کودک هر حرفه‌ای بخواهد برگزیند، برایش امکان پذیر باشد و از عهده‌ی آن برآید، بلکه باید حرفه‌ای برگزیند که با طبیعت او مناسبت داشته باشد.»

در مورد لزوم توجه به تفاوت‌های فردی دانش آموزان نیز عقیده داشت و به دلیل تفاوت‌های ذوقی و هوشی افراد شایسته است که مربی کودک هنگام گزینش حرفه یا دانشی خاص، طبیعت کودک را بیازماید، ذوق و سلیقه و میزان هوش او را بیازماید و بر این اساس حرفه یا دانش مناسب را برای کودک برگزیند (صدیق، ۱۳۳۲ش).

آموزش گروهی

ابن سینا آموزش گروهی را به آموزش خصوصی ترجیح می‌دهد. در آموزش جمعی میان نوآموزان رقابت و گفتگوی علمی صورت می‌گیرد و کودکان آداب اجتماعی را می‌آموزند و این موجب فزونی علم و عقل آنان می‌شود. ولی در آموزش خصوصی و فردی شاگرد و معلم هر دو ملول و خسته می‌شوند. بوعلی تأثیر دانش آموزان را بر یکدیگر بسیار مهم می‌دانست. «شایسته است در مدرسه، همراه با دانش آموزان، کودکان آموخته دیگری از فرزندان بزرگان با آداب نیک و عادات پسندیده وجود داشته باشند زیرا کودک از کودک فرامی‌گیرد و اگر چند کودک تحت تربیت یک معلم قرار گیرند و معلم به هر یک رسیدگی کند، خستگی و ملالت هر یک از کودکان کمتر می‌شود و شادابی آنان افزون می‌گردد و کودک نیز به فراگیری مشتاق‌تر می‌شود. به دلیل اینکه گاهی (وقت مشاهده برتری دیگران) بر آن‌ها غبطه خورده است. جدیت می‌کند و می‌کوشد تا از مرتبه دیگران کمتر نباشد و به علاوه با کودکان دیگر (در مورد آنچه آموخته است) گفتگو می‌کند و مباحثه و گفتگو سبب گستردگی و وسعت اندیشه می‌شود.» (النقیب، ۱۳۸۲ ش.).

تقدم تربیت بر آموزش

ابن سینا بر اهمیت تربیت در زمان کودکی تأکید می‌ورزد و در مورد شیوه تربیت هم می‌گوید: «باید مربیان، سختی و نرمی و تشویق و ترهیب را به هم آمیزند.» در نظر ابن سینا تربیت مقدم بر تعلیم است و در مورد ویژگی‌های معلم کودکان می‌نویسید: پدر و مادر باید معلمی دیندار و خردمند و متخلق به اخلاق پسندیده انتخاب کنند و نیز آموزگار باید خوشرو و با وقار و پاکیزه باشد. باید که

تعلیمات نخستین مبتنی باشد بر امور دینی و حفظ اشعاری که او را به مکارم اخلاق ترغیب کند. نکته دیگری که شیخ‌الرئیس در باب تعلیم و تربیت کودک مورد توجه قرار می‌دهد، همکلاسی‌ها و همشاگردی‌های دانش آموز است. او در این باره توصیه می‌کند: «باید که پدر و مادر بکوشند تا فرزندشان با بزرگ زادگان و صاحبان اخلاق عالیه همدرس باشند زیرا که کودک از کودک تقلید کند و به او انس گیرد.» ابن سینا آموختن علم را کافی نمی‌داند و تأکید می‌کند که باید دانش آموزان علاوه بر آن حرفه و صنعتی نیز فرا گیرند و در آن مهارت کسب کنند اما توصیه می‌کند که حرفه متناسب با استعداد و علاقه آن‌ها باشد (الماسی، ۱۳۷۸ش).

تعلیم و تربیت و خیر

دیدیم که چگونه ابن‌سینا تعلیم و تربیت را فرآیندی در مراحل مختلف می‌دید: از احساس به تخیل و بالاخره آموزش عقلی. اکنون می‌دانیم وظیفه عقل عملی در روح عقلی چیست. وظیفه آن تنظیم و هماهنگ کردن اعمال است؛ مانند انواع هنر و اخلاق در کل. روش آموزش در این بخش، عادت دادن به انجام اعمال نیک در کودکی و نوجوانی است. فرو نشاندن تمایلات درست، تعلیم بخش عملی است به گونه‌ای که به باروری فضایل و دوری از رذایل منتج گردد. آموزه حد وسط یا اعتدال و میانه‌روی که توصیه قرآن نیز است، توصیه ابن‌سینا برای کسب فضایل است. آنچه در این دوران می‌آموزیم، به دو دلیل اهمیت دارد. ابن‌سینا با یادآوری مثالی، دلیل اول را روشن می‌کند. آنچه ما در کودکی می‌آموزیم مانند نقش روی سنگ باقی می‌ماند؛ (برگرفته از حدیث نبوی) دلیل دوم آن که این یادگیری، پایه‌های پرورش ذهنی و عقلی است و به این

ترتیب، ابن‌سینا، آموزش اخلاق را به آموزش عقلی پیوند می‌زند. دلالت این عقیده آن است که هیچ‌کس نمی‌تواند تصادفاً خوب باشد. بنابراین، عادات نیک، سنگ اول بنای تعلیم و تربیت است.

سعادت از طریق زندگی، همراه با فضایل حاصل می‌شود و این نوع زندگی، به خودی خود و برای خودش باید انتخاب شود. در این جا مفهوم نیت پوشید است. برای خوب بودن، باید نیت به کار خیر داشت. این تنها گام نخست است که از طریق تعلیم و تربیت حاصل می‌شود. اهمیت پرورش نیت‌های خیر، از نکات کتاب مقدس ما قرآن است. هنگامی که ما تمایلات و صفات نیک داشته باشیم، در آموزش و پرورش عقلی توفیق می‌یابیم و از این رو روح عقلی در ما استحکام می‌یابد. در مجموع وظیفه روح آن است که برای آشکاری حقیقت، صبر کند، درباره ایده‌های پیچیده، با شهود کامل تعمق کند و با اوهام بیهوده، به شدت مبارزه کند. روح عاقل، انسان را پالایش می‌کند و به او کمک می‌کند که جهان حقیقت را دریافت کند. در نهایت او باید یک جهان عقلی در خود شود که صورت «تمام حقایق» و «خیر کثیر» در آن حک شده باشد. بر این اساس، تعلیم و تربیت در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی مورد نظر و دفاع ابن‌سینا، به طور جدایی‌ناپذیری با خیر اخلاقی مرتبط است و بدون تعهد اخلاقی، به آموزش و پرورش و علم به عنوان ابزاری غیرمسئولانه و خطرناک نگریسته می‌شود.

ابن‌سینا معتقد است بخش نظری، وظیفه دریافت ایده صور نظری انتزاع شده از ماده را دارند. در نظام او، تعلیم و تربیت در سطح عالی، چیزی نیست مگر فرآیند تحقق و بالفعل شدن عقلی عملی و نظری و این هدف نهایی خلقت انسان است. حال از آن جا که عقل هیچ‌گاه با اعراض متحد نمی‌شود، باید دانست که جواهر یا ذوات امور، یکی می‌شود و در نتیجه ذهن متحول می‌شود. تعلیم و

تربیت باید شخصیت را متحول کند و نوعی بینش ایجاد کند، به طوری که ما بتوانیم با ذهنی روشن‌تر و فهمی عمیق‌تر به امور، قضاوت کنیم. این نیز دلیل دیگری است مبنی بر این که چرا اخلاق در تعلیم و تربیت اسلامی مهم است؛ زیرا نباید به تعلیم و تربیت به عنوان راهی برای رسیدن به اهداف مادی - مانند شغل بهتر یا منزلت اجتماعی بیش‌تر - نگرست، بلکه باید بدان به عنوان فرآیندی انقلابی که بر وجود درونی ما تأثیر می‌گذارد، نگرست، به طوری که نقش آن در زندگی روزمره ما نیز ملموس باشد. در این راستا، ابن‌سینا شباهت زیادی با فیلسوف آموزش و پرورش عصر حاضر «آر. اس. پیترز» دارد. تعلیم و تربیت حقیقی عبارت است از تنویر ذهن و کلید ورود به آن، اتصال به «عقل فعال» است. هنگامی که با عقل فعال یکی می‌شویم، این عالی‌ترین سطح شهود است. بر این اساس روشن می‌شود که ابن‌سینا علی‌رغم شباهت با ارسطو، در مورد مسایل محوری مانند عادات نیک در کودکی، در مواردی با او تفاوت‌های عمیقی دارد و خود به عنوان متفکری مستقل و ملهم از قرآن، تثبیت می‌کند. ارسطو انسان را موجودی اجتماعی می‌دانست، در حالی که ابن‌سینا او را موجودی معنوی در نظر می‌گرفت. از این رو آنان در نظام تربیتی خود به دنبال نتایج متفاوتی هستند. ابن‌سینا معتقد است رضایت ذهن به پالایش روح منتج می‌شود. از نظر او، خدا وجودی ضروری است و از وجود او، دیگر موجودات حیات یافته‌اند. در نهایت ابن‌سینا تأکید بیش‌تری بر نیازهای معنوی انسان نموده و موضعی دینی اتخاذ می‌کند که شبیه نو افلاطون است.

ابن‌سینا «آزادی علمی» را نیز از لوازم آموزش می‌داند. از آنجا که ابن‌سینا در طی دوران زندگی‌اش تحت محاکمه‌های مذهبی متعددی قرار گرفته است و حتی مدت‌های زیادی را به همین سبب در زندان بسر برده است، به جدّ نیاز به فضای

آزادی- که امکان شکوفایی استعدادهای مختلف را فراهم می‌کند- توصیه می‌کند و نیاز به تساهلی که امکان ابراز عقیده را ممکن سازد، امری کاملاً ضروری می‌داند.

شایان ذکر است هرگونه تضادی میان آزادی شخص و قدرت و اختیار معلم، ناشی از عدم تعریف درست مفهوم آزادی است. ابن‌سینا واژه آزادی را با همان مفهوم متفکران غربی از ارسطو تا انستینوزا، گوته و ماتیو آرنولد، استفاده می‌کند: «رهایی معنوی و روحانی از تعلقات مادی» هدف از تعلیمات اسلامی، ایجاد فردی است که از لحاظ درونی آزاد بوده و به گفته آرنولد، قربانی امیال و احساسات زودگذر نباشد (زیباکلام، ۱۳۸۰ش).

نتیجه‌گیری

آموزش از عمده‌ترین رسالت‌های یک جامعه و زیربنای توسعه پایدار انسانی و ابزار اصلی برای تحقق اهداف در جوامع به حساب می‌آید. هیچ تحولی صورت نمی‌گیرد مگر اینکه دستگاه تعلیم و تربیت در آن نقش اساسی دارد. پس بدیهی است که جهت کسب فضایل و رسیدن به سعادت، تعلیم و تربیت ضروری است. محیط و الگوهای محیطی بر نگرش افراد و در نتیجه بر رفتارهای آنان تأثیرگذار است و رسیدن به اهداف بستگی به انطباق با محیط متغیر و به کارگیری الگوهای مناسب جهت دستیابی نسل جدید به تربیت بهتر دارد. بدیهی است تحقق اهداف آموزشی نمی‌تواند بدون توجه به جنبه‌های اخلاقی صورت پذیرد، زیرا این دو پیوندی استوار و ناگسستنی دارند.

هدف تربیت اخلاقی ابن‌سینا کسب اعتدال و میانه‌روی و کسب فضایل اخلاقی است. از طرفی وی معتقد است که اخلاق خیر و فضیلتی است که در همه

امور باید مد نظر باشد و تربیت اخلاقی فرد در جامعه را تضمین کننده کمال و سعادت او در دنیا و آخرت می‌داند.

تعلیم و تربیت در فلسفه آموزش و پرورش اسلامی موردنظر و دفاع ابن سینا، به طور جدایی ناپذیری با خیر اخلاقی مرتبط است و بدون تعهد اخلاقی به آموزش و پرورش و علم، به عنوان ابزاری غیر مسؤولانه و خطرناک نگریده می‌شود.

نکته‌ای که در دیدگاه تربیتی ابن سینا اهمیت دارد آن است که او تعلیم و تربیت را زیر چتر دین و با تأکید بر اندیشه ورزی و تعقل در امور ترسیم می‌کند. پس می‌توان نتیجه گرفت که او دارای یک رویکرد عقلانی با در نظر گرفتن غایت الهی در تعلیم و تربیت است. با توجه به این مطلب، جوامع اسلامی تنها با یک نظام آموزشی منسجم و با اتکال به نظرات فیلسوفانی چون ابن سینا می‌توانند وارد عرصه توسعه و پیشرفت شوند به طوری که ویژگی اصلی آن کسب حقیقت و به گونه‌ای باشد که این بزرگان توصیه نموده‌اند.

فهرست منابع

آریا، امیر. (۱۳۸۴ش.). معرفی آراء روانشناسی و تربیتی ابوعلی سینا با مختصر افکارش، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

ادیانی، سید یونس. (۱۳۸۴ش.). بازشناسی فلسفه ابن سینا، تهران: انتشارات نقش جهان.

الماسی، علی محمد. (۱۳۷۸ش.). تاریخ مختصر تحول تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، تهران: رشد.

النقیب، عبدالرحمان. (۱۳۸۲ش.). اندیشه‌های تربیتی ابن سینا، ترجمه علی فروغی، نشریه اسوه، شماره ۷۸.

اعرافی، علیرضا و دیگران. (۱۳۷۷ش.). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: انتشارات سمت.

ابن سینا، ابوعلی. (۱۳۷۰ش.). الهیات نجات، ترجمه سید یحیی یثربی، تهران: انتشارات فکر روز.

ابن سینا، ابوعلی. (۱۳۶۶ش.). قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، تهران: سروش.

ابن سینا، ابوعلی. (۱۳۹۰ش.). ابن سینا و تدبیر منزل، ترجمه محمد نجمی زنجانی، تهران.

اسماعیلی، علی و دیگران. (۱۳۸۴ش.). مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ابن سینا، ابوعلی. (۱۳۶۷ش.). اشارت و تنبیها، جلد دوم؛ منطق، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران: سروش.

باقرالقریشی. (۱۳۶۴ش.). نظام تربیتی اسلام.

باقری، خسرو. (۱۳۸۶ش.). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.

بلاغت، سید رضا. (۱۳۸۶ش.). بررسی تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا، نشریه رشد معلم، شماره ۲۰۹.

بیرونی کاشانی، راضیه و دیگران. (۱۳۹۱ش.). تبیین عناصر فلسفه اخلاقی و اجتماعی ابن سینا و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال دوم شماره ۲.

بیهقی، ظهیرالدین. (۱۳۵۱ش.). تتمه صوان الحکمه، به کوشش محمد شفیع، لاهور.

حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۶۷ش.). ترجمه منیه المرید.

خارستانی، اسماعیل و دیگران (۱۳۹۱ش). بررسی تطبیقی تربیت اخلاقی از دیدگاه ارسطو و ابن سینا، عرضه شده به همایش اخلاق سهروردی، زنجان.

خوانساری، محمد (۱۳۵۹ش). مجموعه مقالات و سخنرانی‌های هزاره ابن سینا در ایران، تهران: انتشارات کمیسیون ملی یونسکو.

زیبا کلام مفرد، فاطمه (۱۳۸۴ش). مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام، تفرش: انتشارات دانشگاه تفرش.

زیبا کلام مفرد، فاطمه (۱۳۸۰ش). تعلیم و تربیت در فلسفه ابن سینا و مقایسه آن با فلسفه اثبات‌گرایی و عملگرایی، پگاه حوزه.

شارع پور، محمود (۱۳۸۵ش). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.

شریعتمداری، علی (۱۳۷۹ش). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.

صدیق، عیسی (۱۳۳۲ش). سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، تهران: دانشگاه تهران.

عطاران، محمد (۱۳۷۱ش). آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، تهران: انتشارات مدرسه.

عطاران، محمد (۱۳۸۲ش). مقایسه دو رویکرد در تربیت دینی با تأکید بر عنصر اخلاق، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش.

کاردان، علی محمد (۱۳۸۱ش). سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: انتشارات یسپرون.

همو (۱۹۱۱م). السیاسه. به کوشش لوئیس معلوف، بیروت.

همو (۱۳۳۴ش). نظریات ابن سینا در باب تعلیم و تربیت در مقایسه اجمالی با نظریات افلاطون و ارسطو، جشن نامه ابن سینا.

ثقه الاسلامی، فاطمه (۱۳۹۱ش). تعلیم و تربیت در دیدگاه فلاسفه- ابن سینا، *فصلنامه رشد آموزش معارف/اسلامی*، شماره ۸۷، زمستان.

کوشنده، لیلا (۱۳۸۳ش). اصول تعلیم و تربیت: از منظر ابونصر فارابی، ابن مسکویه، بوعلی سینا، تبریز.

اسماعیل علی، سعید. جواد رضا، محمد (۱۳۸۴ش). مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی. تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

فرامرزی قراملکی، احد. (۱۳۸۵ش). روش شناسی مطالعات دینی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

Good man, L.E (1992). Avicenna. First addition, London

Routledge Fakhry M(1997). The contemplative idea in Islamic Philosophy. Aristotle and Avicenna. JHP:14

Zibakalam mifrad, F. (1999). IBN sina's philosophy of education and its application to modern moslem education systems.

یادداشت شناسه مؤلفان

سلیمه خلیلی: دانشجوی PhD آموزش پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

نشانی الکترونیکی: b_khalili85@yahoo.com

لیلا افشار: عضو هیات علمی اخلاق پزشکی، دانشکده آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

محمود عباسی: دانشیار و رییس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مدیر گروه اخلاق پزشکی و فلوشیپ اخلاق زیست پزشکی، تهران، ایران.